

گزارش نقشه زمین شناسی ۱:۱۰۰۰۰۰

برگه شماره ۶۰۵۳ - ده دز

پیشگفتار و جغرافیا

گسترده دهدز در خاور شهرستان ایذه قرار دارد. بخش خاوری آن در استان چهارمحال و بختیاری و بخش باختری آن در استان خوزستان است. راه ارتباطی مراکز دو استان از این گستره میگذرد. که در زمان تهیه این نقشه بخشی از آن آسفالت و بخش دیگر در دست آسفالتکاری است. پلها و راه های خاکی فرعی، اندک نامناسبند و پس از هر بارندگی نیاز به ترمیم دوباره دارند.

مردم این ناحیه از قوم بختیاری با گویش اصیل بختیاری اند. در این ناحیه دامداری با شیوه سنتی کوچ نشینی و با توجه به فراوانی آب اما نبود امکانات انتقال آب، تنها زمینهای هموار نزدیک به رودخانه ها مورد کشت آبی قرار گرفته اند. گسترده دهدز سرزمینی ناهموار با کوههای بلند و پر شیب است. این بلندیها بوسیله دره های ژرف و رودهای پر آب از یکدیگر جدا می شوند. وضعیت توپوگرافی و کمبود راه، دسترسی به برخی نقاط را بسیار دشوار نموده است. کوه گره در شمال خاوری با بلندی ۳۹۹۰ متر و کوه منگشت در جنوب باختری با بلندی ۳۲۵۰ متر از جمله این برجستگیها هستند. پست ترین نقطه این ناحیه ۶۰۰ متر از سطح دریای آراه بلندی دارد. ستیغهای شمال خاوری در تمامی سال پوشیده از برف و سرچشمه ی رودهای خروشان همچون کارون، بازفت و خراسان اند. میزان بارندگی سالیانه ک و بیش از ۸۰۰-۶۰۰ میلی متر) و بلندیها پوشیده از جنگل های بلوط اند ولی هر سال از تراکم آن ها کاسته می شود.

از دیدگاه جغرافیای طبیعی این ناحیه بخشی از رشته کوههای زاگرس در جنوب باختری ایران را در بر می گیرد. گسترده دهدز بخشی از چهارگوش ۱:۲۵۰,۰۰۰ بروجن است که نخستین بار در سال ۱۹۳۶ بوسیله هریسون و فالکن نقشه زمین شناسی آن تهیه شده و شرکت ملی نفت ایران آن را به چاپ رسانیده است. پس از این زمان با توجه به اهمیت کم این ناحیه از دیدگاه ذخایر نفتی، بررسی های اندکی در آن انجام شده است. برداشتهای چینه شناسی رسوبات پالئوزوئیک بوسیله ستوده نیا (۱۹۷۶) و بررسی رسوبهای پرمین و تریاس زاگرس بوسیله زابو، خردپیپر و خلیلی (۱۹۷۷) از جمله آنها است که در تهیه این نقشه مورد استفاده قرار گرفته اند.

ویژگی های چینه شناسی

گسترده دهدز در کناره شمالی حوضه زاگرس و در نزدیکی راندگی اصلی زاگرس قرار دارد بنابراین تغییرات شدید رخساره در اغلب سازندها بخصوص در رسوبهای کرتاسه و پس از آن دیده می شود. مرز این تغییرات در پیرامون گسله ی کوه گره است. بنابراین در یک تقسیم بندی کلی، این ناحیه را می توان به دو بخش شمال و جنوب کوه گره تقسیم نمود.

در بخش شمالی ردیف رسوبی کامبرین تا عهد حاضر برونزد دارد که دیواره های بلند کوه گره را می سازد. کوه منگشت بزرگترین تاقدیس بخش جنوبی است. پنجره های فرسایشی این تاقدیس رسوبهای تریاس و جوان تر را به نمایش می گذارند.

شناسایی فسیل های این نقشه بجز مواردی که نام برده شده است در گروه دیرینه شناسی سازمان زمین شناسی کشور و بوسیله: ف. وکیلی، ع. کیهانی و ا. ترکمانی بانجام رسیده و بوسیله ح. پرتوآذر بازبینی شده است. سازندهای این گستره از کهن به جوان به شرح زیر معرفی می گردند.

ماسه سنگ‌های قرمز کامبرین (هم ارز سازندهای زایگون و لالون)

کهنترین برونزد ستون چینه شناسی ناحیه در کوه گره است و شامل شیل‌ها و ماسه سنگ‌های ارغوانی و کمی سبز رنگ است که به سوی بالا تمامی شیلها قرمز و ماسه سنگها درشتدانه‌تر و گاه همراه با کنگلومرای ریزدانه می‌شود. ماسه سنگها دارای لایه بندی چلیپایی و با دانه بندی میانه تا درشت است. بالاترین بخش این سازند ماسه سنگ‌هایی با رنگ هوازده صورتی و فاقد برجستگی، به همراهی شیل‌های سرخ رنگ است. این مجموعه با راندگی بر روی سازند سروک جای می‌گیرد و تنها حدود ۵۰۰ متر بالایی آن برونزد دارد. مرز زیرین آن گذر مشخص رخساره شیلی-ماسه سنگی به دولومیت است. فسیل مشخصی از این سازند بدست نیامده است ولی با توجه به جایگاه چینه‌ای و همانندی رخساره آن با سازندهای زایگون و لالون در البرز می‌توان سن کامبرین پیشین را برای آن در نظر گرفت.

سنگ آهک و شیل‌های کامبرین (هم ارز سازند میلا)

این مجموعه در کوه گره به سه پاره سازند a، b و c قابل تقسیم است. ستوده نیا (۱۹۷۵) آن را با سازند میلا در البرز قابل مقایسه می‌داند. پاره سازند a که بطور همساز و با تغییر رخساره مشخص بر روی سازند لالون قرار می‌گیرد شامل دولومیت‌های (Biodolomicrite) دانه شکری لایه نازک خرد شده، دارای رگه‌های کلسیت و به رنگ قهوه‌ای تا خاکستری تیره و گاه لایه های نازک کرم رنگ است. بخش میانی این پاره سازند سبتر لایه و برجسته است. پاره سازند b شامل تناوب شیل‌های نازک لایه قرمز و سبز دارای قالب بلور نمک همراه با لایه های نازک دولومیتی است این پاره سازند بتدریج به پاره سازند c که شامل تناوب لایه های نازک شیل های سبز و خاکستری و سنگ آهک‌های خاکستری است گذر می‌نماید. ستبرای پاره سازندهای a، b و c به ترتیب ۱۰۲، ۷۰ و ۳۱۸ متر است. این مجموعه با ناپیوستگی در زیر آواری‌های سازند فارغان (فراقون) قرار می‌گیرد. فسیل های زیر از این سازند آمده‌اند. Biconulites, Crinoid fragments, Trilobites.

بر این پایه و با مقایسه رخساره و جایگاه چینه ای آن با البرز می‌توان سن کامبرین تا پسین را به آن نسبت داد.

آواری‌های پرمین پیشین (هم ارز سازند فارغان)

سازند میلا پس از یک نبود چینه‌ای بزرگ و به سیله آواری‌های قرمز رنگ پوشیده می‌شود. ستبرای این رسوبها حدود ۳۰ متر و شامل تناوبی از شیل های قرمز مایل به ارغوانی همراه با ماسه سنگ و کنگلومرا است. فسیل مشخصی از این سازند بدست نیامده است اما بر پایه جایگاه چینه‌ای و همانندی رخساره ای آن به احتمال زیاد هم ارز بخش بالایی سازند فارغان است. بنابراین با توجه به سن تعیین شده برای سازند فارغان (قویدل ۱۹۹۰)، سن آن پرمین پیشین در نظر گرفته می‌شود.

بعلت ستبرای کم، این رسوبات همراه با سازند دالان به صورت یک واحد نمایش داده شده است.

سازند دالان

کریناتهای ستبر و دیواره ساز پس از آواری‌های سازند فارغان را سنگ آهک‌های دولومیتی (Dolosparite, Biodolosparite, Biomicrite, Biomicrosparite) توده ای خاکستری تیره تا قهوه ای رنگ سازند دالان تشکیل می‌دهد این سازند دارای لایه های سرشار از فسیل و بازوپایان، مرجانها و آگها است. در برخی نقاط، این کریناتها دارای رخساره ریفی و حالت توده ای هستند. بخش‌های دولومیتی دارای بلورهای درشت تا میانه و تخلخل بالا است. سازند دالان بطور پیوسته بر روی آواری‌های پرمین قرار می‌گیرد. ستبرای این سازند در حدود ۵۵۰ متر و سن آن پرمین پسین است. ریز سنگواره های زیر در این سازند دیده شده اند.

Schwagerinid, Langella sp., Polydiexodia sp., Globivalvulina sp., Baisalina sp., Geinitzina sp., Agathammina sp., Dagmarita sp., Glomospira sp., Bryozoa

سازند خاکه کت

این سازند کهنترین برونزد در پنجره های فرسایشی کوه منگشت است و شامل دولومیت‌های (Dolosparite) سخت و مقاوم سیلیسی و ریزدانه با لایه بندی نازک تا میانه خاکستری تیره تا سیاه با رنگ هوازده خاکستری روشن است. ستبرای این سازند ۲۳۰ متر است. بعلت دولومیتی شدن، فسیل مشخصی از این سازند بدست نیامده است.

هریسون، تایت و فالکن (۱۹۳۲) سن این سازند را در کوه منگشت تریاس میانی بیان داشته اند- وایند (۱۹۶۹) سنگواره های زیر در کوه منگشت گزارش نموده و سن آن را تریاس تا لیاس (ریتیک) تعیین نموده است. Spongiostroma, sp. Trocholina sp., Aghatamina sp., Nodosaria sp., Frondicularia sp. در کوه سبز و در خاور برگه دهدز سازند نیریز با ناپیوستگی فرسایشی بر روی این سازند قرار می گیرد. نهشته بوکسیت رسی معدن دوپلان بر روی این سطح ناپیوستگی تشکیل شده است.

سازند نیریز

این سازند شامل دولومیت‌های نازک لایه همراه با شیل‌های خاکستری تیره است که به تدریج به سوی بالا به آهک‌ها و دولومیت‌های نازک لایه تبدیل می‌شود. در کوه سبز و در خاور برگه‌ی دهدز بک سطح فرسایشی مشخص در پایه سازند نیریز دیده می‌شود. همبری بالایی آن با سازند سورمه تدریجی و در زیر لایه دارای Lithiotis قرار می‌گیرد. ستبرای سازند نیریز در کوه منگشت در حدود ۱۳۰ متر است و در کوه گره با بخش زیرین سازند سورمه جایگزین می‌شود. ریزسنگواره های زیر در این سازند شناسایی شده اند.

Globocheta sp., Nautiloculina oolithica, Valvulinids, Textularids

وایند (۱۹۶۹) در بررسی چینه‌شناسی کوه منگشت سنگواره های زیر را گزارش نموده است.

Glomospira sp., Arenaceous sp., Lituolidae

بر این اساس سن آن ژوراسیک پیشین تعیین می‌گردد.

سازندهای سورمه و سرگلو

آهک‌های دولومیتی (Dolomicrosparite, Dolomicrite, Biomicrite, Dismicrite) ستبر و مقاوم، قهوه‌ای تا خاکستری، دارای فسیل Lithiotis با رنگ هوازده‌ی قهوه ای تا خاکستری و گاه چرتی است. این سازند با گذر تدریجی بر روی سازند نیریز قرار می‌گیرد. مرز زیرین نیز در کوه منگشت با سازند فهلیان و در کوه گره با سازند گرو همساز است. ستبرای آن در کوه منگشت در حدود ۸۰۰ متر است در کوه گره بخش میانی آن شیلی شده که هم ارز سازند سرگلو در نظر گرفته می‌شود این بخش شامل سنگ آهک های دولومیتی (Biodolomicrite) و شیل‌های نازک لایه به رنگ خاکستری تیره است بنابراین در اینجا سازند سورمه به سه بخش زیرین، میانی و بالایی با ستبراهای ۳۰۰، ۱۲۰ و ۳۵۰ متر تقسیم می‌شود. ریز سنگواره های زیر در این سازند شناسایی شده اند.

Nautiloculina oolithica, Pseudocyclamina sp., Trocholina elongate, Kurnubia sp., Valvulinids, Textularids, Textularid, Miliolid, Gastropods Ostracods.

وایند (۱۹۶۹) نیز فسیل های زیر را در کوه منگشت گزارش نموده است.

Orbitopsella praecursor, Lithiotis, Pfendrina sp., Trocholina palastiniensis, Pseudocyclamina jaccardi, Mangashtia viennoti, Kumobia sp.

بر این پایه سن آن ژوراسیک پیشین تا پسین تعیین می‌گردد.

سازند گرو

شامل شیل‌های راه‌بولاردار خاکستری تیره تا سیاه و آهک‌های (Biosparite) رسی ژرف لایه نازک است. این سازند بطور همساز در زیر سازند فهلیان و بر روی سازند سورمه قرار می‌گیرد. ستبرای آن در کوه گره حدود ۱۴۰ متر است و در کوه منگشت وجود ندارد. فسیل شاخصی از این سازند بدست نیامده است اما بر پایه جایگاه چینه ای و مقایسه با سایر نقاط زاگرس، به احتمال زیاد سن آن کرتاسه پیشین است.

سازند فهلیان

شامل سنگ آهک‌های (Biomicrite) توده ای تا میان لایه به رنگ قهوه ای تا خاکستری است که به طور پیوسته در کوه منگشت بر روی سازند سورمه و در کوه گره بر روی سازند گرو جای می‌گیرد. مرز زیرین با سازند داریان نیز پیوسته است. ستبرای این سازند حدود ۳۳۰ متر و سن آن کرتاسه پیشین (نئوکومین) است. ریز سنگواره های زیر در این سازند شناسایی شده اند.

Lagenacea, Trocholina sp., Salpingoporella sp., Radiolaria Plecypoda

سازند داریان

سنگ آهک (Biomicrorite) اوربیتولین دار قهوه ای تا خاکستری با لایه بندی سترگ تا میانه مربوط به محیط کم ژرفا است. مرز زیرین آن با سازند فهلیان پیوسته و با توجه به همانندی رخساره ای تنها با شواهد فسیلی قابل جدایش است. مرز زیرین در کوه منگشت ناپیوسته است و با تغییر آن به رخساره شیلی کژدمی، تشخیص آن دشوار است. ستبرای این سازند در حدود ۶۳۰ متر و سن آن کرتاسه پیشین (آپتین) است. ریز سنگواره های زیر در این سازند شناسایی شده اند.

Orbitolina sp., Lithocodium aggregatum, Psudochrysalidina sp.

بر این اساس سن آن کرتاسه پیشین (آپتین) تعیین می گردد.

سازند کژدمی

برونزد این سازند در کوه منگشت به عنوان یک واحد کلیدی به خوبی مشخص است و شامل شیل های خاکستری تیره تا سیاه رنگ بیتومین دار همراه با لایه های نازک آهکی (Biomicrorite, Biomicrosparite) دارای فسیل آمونیت است. این سازند به سوی شمال خاوری به ردیف آهکی تبدیل می شود و در کوه گره از سازندهای زیرین و زبرین قابل جدایش نیست. مرز زیرین با سازند داریان ناپیوسته است و مرز زبرین با سازند سروک به نظر پیوسته می آید. ستبرای این سازند در کوه منگشت حدود ۱۵۰ متر و سن آن کرتاسه پیشین (آلبین) است. ریز سنگواره های آن عبارتند از

Globotruncana Helvetica, Calvihedbergella sp., Heterohelix sp., Globotruncana sp.

سازندهای سروک و ایلام

برونزدهای این دو سازند بسیار همانند یکدیگرند و در روی زمین قابل جدایش نیستند. این دو سازند شامل سنگ آهک های (Biomicrorite, Micrite, Microsparite, Biosparite) توده ای تا میان لایه کرم، قهوه ای تا خاکستری همراه با لایه های نازک مارن های خاکستری تیره است.

در کوه گره بخش بالایی آن به رنگ کرم روشن است که به سوی شمال به سنگ آهکهای کنگلومرایی خاکستری رنگ، دارای قلوه هایی از ۵ تا ۱۰ سانتی متر از خود سازند یا سازندهای کهن تر و گاه چرت تبدیل می شود که بر روی آن سازند آواری ساچون به گونه ناپیوسته قرار می گیرد. بخش پایینی آن آهکهای قهوه ای تا خاکستری رنگ است و از سازندهای زیرین با شواهد فسیلی جدا می شود.

در کوه منگشت بخش پایینی سازند کریاتهای کرم رنگ است که به روشنی از سازند کژدمی جدا می شود و به سوی بالا به آهکهای قهوه ای تا خاکستری تبدیل می شود که در سرتاسر بخش جنوبی گسله کوه گره تا کوه منگشت با ناپیوستگی همشیب در زیر مارن های سازند گورپی قرار می گیرد.

ستبرای آن در حدود ۷۰۰ متر و سن آن کرتاسه پیشین تا پسین (آلبین پسین تا سنومانین) است. ریز سنگواره های زیر در این سازند شناسایی شده اند.

Miliolids, Nazzazata sp., Textularids, Pseudochrysalina sp., Orbitolina sp., Dokhania sp., Rotalia sp., Valvulammina cf. picardi, Nommoloculina sp., Dicyclina sp., Nautiloculina sp., Ovalvulina ovum, Ostracods

سازند گورپی

این سازند شامل تناوب منظمی از مارنهای خاکستری مایل به آبی و سنگ آهکهای مارنی (Microsparite, Biomicrorite) نازک لایه است. در سرتنگ محمود بخش بالایی آن با آواریهای ریز دانه قرمز رنگ کرتاسه پسین و به تدریج به سوی ناحیه شمال گسله کوه گره، تمامی آن با سازند ساچون جایگزین می شود. سازند گورپی با ناپیوستگی هم شیب در زیر سازند پایده قرار می گیرد. مرز زیرین با سازند سروک ناپیوستگی هم شیب است. ستبرای سازند گورپی در حدود ۳۰۰ متر و سن آن کرتاسه پسین (ماستریشیتین) است. ریز سنگواره زیر در این سازند شناسایی شده اند.

Ostracod sp., Globotruncana lappareneti, Hedbergella sp., Calvihedbergella sp., Globotruncana aff. elevate, Heterohelix sp.

آواریه‌های کرتاسه پسین (K^{shs})

شامل مارن، سیلت و ماسه سنگهای قرمز است که با تغییر از پهلو به سوی جنوب به سازند گورپی و به سوی شمال به سازند ساچون تبدیل می‌شود. در سرتنگ محمود این آواریه‌های جایگزین بخش بالایی سازند گورپی شده اند و با همبری تدریجی در زیر سازند تربور قرار می‌گیرند. ستبرای آن در حدود ۱۵۰ متر است. فسیل مشخصی از این نهشته ها بدست نیامده است اما بر اساس جایگاه چینه ای مشخص آن می‌توان سن کرتاسه پسین (ماستریشین) را برای آن در نظر گرفت.

سازند تربور

شامل سنگ آهک های (Biosparite) توده ای تا میان لایه، کرم رنگ و دارای مقادیر زیادی سنگواره خارپوست و مرجان است. این سازند به گونه نوار باریکی در راستای شمال باختری-جنوب خاوری گسترش دارد و در فاصله کمی به سوی شمال خاوری با رسوبات آواری و به سوی جنوب باختری با کربناته‌های سازند گورپی جایگزین می‌شود. سازند تربور تنها در سرتنگ محمود برونزد دارد و ستبرای آن به حدود ۱۰۰ متر می‌رسد ریز فسیل های زیر در این سازند شناسایی شده اند.

Loftusia sp., Dietyconus sp., Dicyclina sp., Orbitella media

بر این پایه سن آن کرتاسه پسین (ماستریشین) تعیین می‌گردد.

سازند ساچون

شامل مارنهای قرمز، ژپس توده ای، ماسه سنگ و کنگلومرا با قلوه های چرتی و آهکی است که به سوی بالا دانه درشتدانه و از میزان تبخیریه‌های آن کاسته می‌شود. این سازند در شمال خاوری ناحیه جایگزین سازندهای گورپی، آواری های کرتاسه پسین، سازند تربور و بخشی از رسوبات ائوسن می‌شود و با همبری تدریجی در زیر سازند شهبازان و با ناپیوستگی بر روی سازند سروک قرار می‌گیرد. ستبرای سازند ساچون متغییر و گاه بیش از ۱۰۰ متر است. فسیل مشخصی از آن بدست نیامده است اما با توجه به جایگاه چینه ای آن سن کرتاسه پسین تا ائوسن به آن نسبت داده می‌شود.

سازند شهبازان

دولومیت های میانه تا ستبر لایه، با رنگ هوازده سفید تا خاکستری روشن و بسیار متخلخل است. این سازند تنها در شمال خاوری ناحیه دیده می‌شود و به سوی جنوب باختری به سازند پابده تبدیل می‌شود. ستبرای آن در حدود ۴۰۰ متر و با همبری تدریجی بر روی آواریه‌های سازند ساچون و با ناپیوستگی در زیر سازند آسماری قرار می‌گیرد. ریز سنگواره های زیر در این سازند شناسایی شده اند.

Numulites sp., Alveolina sp., Orbitolites complanatus, Nummulites aff fabiani, Nummulites atricus, Discosyclina sp., Actinocyclina sp., Cibicides sp., Rotalia sp., Miliolids

بر این پایه سن این سازند ائوسن میانی تا پسین تعیین می‌گردد.

سازند پابده

شیلها و مارنهای ارغوانی رنگ در بخش پائین و بر روی آن تناوبی از شیلهای آهکی، مارن و سنگ آهک های مارنی (Biomicrorite, Microsparite, Sparite, Dolosparite) نازک تا میانه به رنگ کرم تا خاکستری است. سازند پابده در جنوب باختری مشخص و به آسانی قابل جدایش است. در میانه ناحیه، در کوه لپه، بخش بالایی آن به وسیله سنگ آهک های ستبر سازند جهرم جایگزین می‌شود که به شکل عدسی به هر سو از ستبرای آن کاسته می‌شود در سرتنگ محمود میزان سنگ آهک ها و دولومیت های سازند پابده افزایش یافته و به رخساره جهرم نزدیک تر می‌شود. در شمال گسله گره رخساره شهبازان و جهرم جایگزین آن می‌گردد. این سازند با ناپیوستگی هم شیب بر روی سازند گورپی قرار می‌گیرد ولی در سرتنگ محمود به تدریج و هم شیب بر روی سازند تربور جای می‌گیرد. مرز زبرین با سازند آسماری یا جهرم پیوسته و تدریجی است. سن این سازند پالئوسن پسین تا ائوسن پسین است و بیشینه ستبرای آن در کوه منگشت ۷۰۰ متر می‌باشد. ریز فسیل های زیر در این سازند شناسایی شده اند.

Globigerina sp., Globorotalia sp., Globigerinoides sp., Discorbis sp., Miliolids, Asterigerina sp., Bolivilina sp., Hantkenina sp., Textularids.

سازندهای جهرم و آسماری

در بررسی صحرایی دو سازند آسماری و جهرم بسیار همانند بوده و از یکدیگر جدا نمی شوند. این دو مجموعه شامل سنگ آهک های (Sparite, Dismicrosparite, Biomicrite, Intrabiomicrite, Micrite, Biomicrosparite) کرم رنگ با لایه بندی ستبر تا توده ای و برجسته است. بخش زیرین (هم ارز سازند جهرم) در کوه لپه دارای ستبرای زیاد بوده و ریف های مخروطی در آن به خوبی دیده می شوند. این سازند با همیری تدریجی بر روی سازند پابده و در شمال خاوری ناحیه بر روی سازند شهبازان قرار می گیرد. مرز زیرین با سازند گچساران پیوسته و مشخص و با نازک شدن لایه ها و ظهور لایه های گچی مشخص می شود. ستبرای سازند آسماری در کوه منگشت حدود ۵۵۰ متر است و در کوه لپه مجموع دو سازند آسماری و جهرم بیش از ۱۰۰۰ متر ستبرای دارند. سن سازند جهرم ائوسن و سن سازند آسماری الیگوسن تا میوسن است. ریز سنگواره های زیر در این سازندها دیده شده اند.

Miogypsina sp., Miogypsinoides sp., Lithothamnium sp., Valvulina sp., Lepidocyclina sp., Asterigerina sp., Miliolids, Amphistegina sp., Textularids, Cibicides sp., Kophus arenareous, Operculina sp., Lithophylum sp., Dendritina sp., Bryozoa.

سازند گچساران

شامل مقدار زیادی گچ همراه با مارنهای سبز، خاکستری و قرمز و لایه های ماسه سنگی است. ستبرای این سازند به دلیل ویژگی شکل پذیری، متغییر و فرسایش آن شدید است. این سازند بیشتر در نقاط پست و در محور ناودیسها دیده می شود. مرز زیرین با سازند آسماری با نازک شدن کربناتها و گذر تدریجی به رخساره گچی مشخص می شود. مرز زیرین بل سازند آغاجاری تدریجی و بر روی بالاترین لایه گچی است. سنگواره مشخصی از این سازند بدست نیامده است اما بر پایه گواههای دیرینه شناسی جیمز و وایند (۱۹۶۰) سن این سازند میوسن میانی در نظر گرفته می شود.

سازند آغاجاری

این سازند شامل تناوبی از ماسه سنگ و شیل های قرمز و خاکستری است. ساختارهای رسوبی رپیل مارک و لایه بندی چلیپایی به فراوانی در ماسه سنگها دیده می شود. ستبرای آن بیش از ۱۵۰۰ متر و بیشترین برونزد آن در بخش میانی پهنه است که با رنگ قرمز بخوبی مشخص می شود. مرز زیرین آن تدریجی و بر روی بالاترین لایه گچی گچساران و مرز زیرین با سازند بختیاری ناهمسان است. ریز فسیل های زیر در این سازند شناسایی شده اند.

Dendritina cf., Rengi, Miliolids, Tubucellaria sp., Rotalia cf., vienotti, Ostracods.

بر پایه این سازند میوسن تعیین می گردد.

سازند بختیاری

کنگلومرالهای چرتی و آهکی شامل قطعات سنگ ها و ریگهای ائوسن، الیگوسن و سنگ آهک ها و چرتهای کرتاسه به رنگ خاکستری تیره، کرم و قهوه ای که در یک زمینه ماسه ای، گریت و آژند (سیمان) آهکی و یا سیلیسی و دارای مقادیری اکسید آهن به هم چسبیده اند می باشد. قلوه ها دارای گردشگی خوب اند اما گاه قطعات زاویه دار نیز در آن دیده می شوند. این سازند به گونه ناهمسان بر روی سازندهای کهن تر قرار می گیرد. ستبرای، میزان و نوع آژند (سیمان)، اندازه و نوع قلوه ها و نیز زمان تشکیل آن در نقط مختلف، متفاوت است اما بطور کلی در اغلب نقاط به صورت یک واحد برجسته دیده می شود. فسیل مشخصی از این سازند بدست نیامده است ولی در مقایسه با سایر نقاط زاگرس بطور کلی سن آن پلیوسن در نظر گرفته می شود.

نهشته های کوتاه تر

در این ناحیه گسترش چندانی ندارند و بیشتر به صورت پهنه های کوچک و پراکنده بر روی سازند نرم و در یال تاقدیس ها و یا در پنجره های فرسایشی نهشته شده اند. کهنترین آنها کنگلومرالهایی (PIQ^c) هستند که فاقد سیمان بوده و لایه بندی آنها پس از تشکیل، شیب دار شده اند. این رسوبها تنها در جنوب کوه گل دیده میشوند و زمان تشکیل آنها اواخر پلیوسن و یا اوایل کوتاه تر است. پادگانه های آبرفتی (Q¹) در دو سوی رودخانه های کارون و خرسان تشکیل و در مراحل بعدی بوسیله همان رودخانه ها حفر شده اند. بادبزنها آبرفتی (Q²)، دشتهای کوچک

(Q) و سرانجام رسوبگذاری پویای کف رودخانه ها (Q^{al}) جوانترین آنها را تشکیل می دهند. رسوبات دشتهای ریزدانه بوده و در کناره دشتهای با واریزه ها (Q^{la}) تداخل می نمایند. در زمان کوتاهتر لغزش لایه های سنگ آهکی، ساختهای فروریزی فراوانی را بوجود آورده است. با توجه به جایگاه این ساختها به نظر می رسد این لغزشها حداقل در زمانی پیش از رسوبگذاری دشتهای رخ داده باشند.

ویژگی های ساختاری

کمر بند چین خورده زاگرس تا کنون توسط افراد زیادی مورد بررسی قرار گرفته است و هر یک با توجه به دیدگاه خود تقسیم بندیهای گوناگونی ارائه نموده اند (اشتوکلین ۱۹۶۸، فالکن ۱۹۶۹ و ۱۹۷۴، نبوی ۱۳۵۵ و علوی ۱۹۸۰، ۱۹۹۳).

گستره دهدز در بخش میانی این رشته و در دو کمر بند ساختاری جای دارد. بخش شمال خاوری در کمر بند گسله های فلسی و یا زاگرس بلند و بخش جنوب باختری در کمر بند چین خورده زاگرس قرار دارد. مرز تقریبی این دو بخش راندگی کوه گر است.

چین خوردگی و گسلش

روند ساختاری گستره ی دهدز از روند عمومی زاگرس پیروی می نماید و چین ها و گسله ها دارای راستای حدود ۱۳۲ تا ۱۳۵ درجه اند در بخش باختری در نتیجه کارکرد گسله ی پی سنگی هندیجان (ایزه) این روند تغییر نموده و حدود ۱۵۵ درجه می شود. این گسله در زمانهای کهن نیز جنبش هایی داشته است که موجب تغییر رخساره و ستبرای رسوبات در دو سوی آن گردیده است (وایند ۱۹۶۹). سبک چین خوردگی سازندهای مقاوم در زاگرس به طور کلی سبک موازی است. سبترای بخشهای سترگ کربناته که مهمترین سنگهای تشکیل دهنده ی گروه مقاومند در لولها و در یالها یکسان است اما سبترای بخشهای غیرمقاوم همچون لایه های ایندریت، متغیر است و بیشتر بعنوان لایه های لغزنده بین لایه های مقاوم عمل می کنند.

یکی از مشخصه های سبک موازی تاقدیسهای پهن و گسترده است که بوسیله ناودیسهای باریک و جناغی از یکدیگر جدا می شوند. اما فشردگی زیاد در این ناحیه، این نظم را پس از وجود آمدن دستخوش تغییرات زیادی نموده است. دگرشکلی زیاد موجب شده است که تاقدیسهها اغلب نامتقارن و یال جنوب باختری آنها برگشته شود در برخی نیز در محل یال برگشته (راندگی آب با زفت) و یا سطح محوری (کوه منگشت) راندگیهایی دیده می شود. یال شمال خاوری تاقدیسهها نیز گاه برگشته است و تاقدیسهها حالت جعبه ای دارند. ناودیسهها نیز اغلب فشرده شده و از حالت جناغی به ناودیسههای موازی که دو یال آن بر روی یکدیگر خوابیده اند تبدیل شده اند. شدت تغییر شکل بسوی شمال خاوری افزایش می یابد و گسلش نقش مهمتری در تکامل ساختاری می یابد. بزرگترین و شاید کهنترین گسله ی ناحیه، گسله ی کوه گر است که نقش مهمی در تکامل ساختاری ناحیه ایفا نموده است. کارکرد این گسله موجب راندگی توده ی سترگی از ردیف منظم رسوبات کامبرین تا کرتاسه بالایی به سوی جنوب باختری و بر روی سنگ آهکهای سازند سروک شده است (سفره راندگی کوه گر). خمش در میانه این گسله موجب شده است که این بخش ساز و کاری متفاوت از سایر بخشها داشته و جنبش چپبر یابد.

مجموعه راندگیهای فلسی شکل باز فت که کربناتههای سازندهای سروک و ایلام را بر روی ائوسن تا پلیوسن رانده است و راندگی سطح محوری کوه منگشت که یال شمال خاوری را بر روی یال جنوب باختری رانده است نیز از دیگر گسله های اصلی ناحیه اند.

شیب کلی راندگیها به سوی شمال خاوری است و در مجموع سیستم راندگیهای فلسی شکل دنبال رو (Trailing) را تشکیل می دهند. بنابراین از سوی شمال خاوری به سوی جنوب باختری از فراوانی و میزان جابجایی راندگیها کاسته می شود.

ساخت‌های گرانشی

ساخت‌های ناشی از گرانش دارای اشکل گوناگونی است که نخستین بار بوسیله هریسون و فالکن در سالهای ۱۹۳۴ و ۱۹۳۵ تشریح و نامگذاری شده اند.

ردیف پیکره هایی از سنگ آهک های توده ای با سریهای ستبر مارن و شیل، شرایط مناسبی را برای آغاز زمین لغزه‌های بزرگ در شیب های تند ناحیه دهدز بوجود آورده اند. در سرتاسر یال شمال خاوری کوه منگشت نمونه‌های جالب و فراوانی از این ساختها دیده می‌شود. در شمال باختری ده بزرگ شیوند، لایه‌های آسماری بر روی یکدیگر چین خورده‌اند و ساخت کلاهکی (Cascade) را بوجود آورده اند. این ساخت به شکل افزایش پهنای برونزد این سازند در نقشه زمین شناسی نمود می یابد.

سازند سروک نیز از شرایط مناسبی برای لغزش های بین لایه ای برخوردار است. ساخت سقف و دیواره (Roof and wall) یکی از ساخت‌های جالب این سازند است. نمونه ای از آن در موقعیت $50^{\circ} 90'$ طول خاوری و $31^{\circ} 38'$ عرض شمالی دیده می شود.

برخلاف ساخت‌های کلاهکی و سقف و دیواره که فرآیند تشکیل آنها به آرامی صورت می‌گیرد گاه لغزش توده‌ای از سنگ‌ها به گونه‌ای کم و بیش ناگهانی رخ می دهد. در نتیجه جنبش و برخورد این توده با سطح زمین، زون خرد شده‌ای در بخش جلویی آن بوجود می‌آید در حالی که بدنه‌ی توده کم و بیش لایه بندی خود را حفظ نموده است. نمونه‌ای از این ساختها در محل روستای درب غریبی و همچنین سرتاسر یال شمال خاوری کوه منگشت دیده می‌شود.

پارینه جغرافیا

دانش ما از زمانهای پیش از کامبرین این گسترده و بطور کلی زاگرس بسیار ناچیز است، آنچه می‌دانیم وجود لایه ای از رسوبات تبخیری و دولومیت سازند قرمز بر روی پی سنگ کهن تر است.

بر روی این ردیف، سری رسوبی پالئوزوئیک قرار می‌گیرد که کم و بیش سرگذشتی همچون سایر نواحی مجاور دارد. مهمترین رخداد این دوران پسروی دراز مدت دریا و بوجود آمدن محیط فرسایشی است که در نتیجه رسوبات کامبرین پسین تا آغاز پرمین دیده نمی شوند. با توجه به ناپیوستگی هم شیب در کوه گره به نظر می‌رسد که این جنبش در این ناحیه از نوع خشکی زایی بوده است. به دنبال آن دریای پرمین پیشروی می نماید و با تشکیل سکوهای کربناته، رسوبات سترگی را بر جای می گذارد. این وضعیت من و بیش تا اواخر مزوزوئیک ادامه داشته است اگر چه گاه نبوده‌های کوچکی در رسوبگذاری دیده می‌شود. آنچه که سرگذشت این گستر را از سایر بخش‌های زاگرس جدا می سازد رخدادهایی است که در کرتاسه پسین رخ داده و پی آمد آن تا زمان حال ادامه می یابد.

در زمان آلبین پسین تا سنومانین کربناته‌های دریای کم ژرفای سازند سروک در سرتاسر گستره دهدز رسوبگذاری می‌نماید، اما شروع فعالیت تکتونیکی ناحیه شمال خاوری گسله کوه گره موجب می شود که محیط رسوبی آشفته شده و بخش بالایی سازند سروک در این ناحیه هوازده و کنگلومرایی شود.

بنابراین آغاز جنبش تکتونیکی این گستره را می توان سنومانین در نظر گرفت. پس از این زمان است که سرگذشت رسوبگذاری تکتونیکی بخش شمال خاوری گسله کوه گره از بخش دیگر جدا شده و این تفاوت تا حدود الیگوسن ادامه می‌یابد.

پس از پایان رسوبگذاری سازند سروک بخشی از گستره که در جنوب باختری گسله کوه گره قرار دارد به سرعت فرونشست می نماید و شیل و مارنهای ژرف سازند گورپی بر جای نهاده می‌شوند. در حالی که این حوضه تا انتهای کرتاسه همچنان ژرف می ماند، در نزدیکی کناره جنوبی گسله گره و در راستای آن، کمانی بوجود می‌آید که بر روی آن رسوبات کم ژرفای سازند تربور به صورت پشته ای باریک نهشته می شود. در این هنگام گمان می رود که در اثر جنبش گسله‌ی گره و گسله های موازی با آن، ناحیه شمال خاوری کم ژرفا و یا از آب خارج شده است.

در اوائل ائوسن رسوبگذاری در این حوضه آواری کم ژرفا می یابد و رسوبات کنگلومرای چرتی، سیلت و شیل قرمز برجای گذاشته می شود. در این زمان حوضه های تبخیری کوچکی بوجود می آیند که در آن ها همراه با آواری ها، رسوبهای گچی نیز تشکیل می شوند (سازند ساچون). در این هنگام در سایر نقاط گستره محیط دریایی بوده و رسوبهای آهکی و مارنی سازند پابده برجای گذاشته می شده است. این وضعیت دیری نمی پاید و در ائوسن میانی در ناحیه شمال خاوری گسله گره نیز محیط برای تشکیل کربنات ها مناسب شده و سازند شهبازان-جهرم بر روی رسوبات قرمز ائوسن پیشین شکل می گیرد. در ائوسن پسین در بخش میانی ناحیه (کوه سفید و کوه لپه) ریف های آهکی گسترش می یابند و به میزان در خور توجهی بر ستبرای رسوبات این زمان می افزایند.

سرانجام با پیشروی دریا، محیط دریایی الیگوسن در سرتاسر گستره فرمانروا می شود و آهک های دریایی آسماری ته نشست می نمایند. این دریا نیز دوام چندانی ندارد و با کاهش ژرفا در میوسن رسوبات تبخیری گچساران گستره را می پوشاند. سازندگی گچساران در ناحیه جنوب گسله گره به خوبی دیده می شود اما در شمال آن در حال حاضر دیده نمی شود. هیچ گواهی بر تشکیل نشدن و یا فرسایش بعدی آن در این ناحیه وجود ندارد، اما به سوی شمال خاوری و بیرون از نقشه دهدز، رسوبات مارن سبز رزک بر روی آسماری قرار می گیرند، بنابراین در این بخش نیز ممکن است حالت تدریجی گچساران و رزک وجود داشته که در مراحل بعدی فرسایش یافته است.

زمین شناسی اقتصادی

سرچشمه های پرآب و رودخانه های بزرگ و خروشان کارون، خرسان و بازفت، مهمترین و با ارزش ترین منبع اقتصادی ناحیه اند که در صورت مهار نمودن و بهره برداری مناسب می تواند موجب شکوفائی اقتصادی و طبیعی این پهنه زیبا و پر جاذبه گردد.